

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر سها

۲۵ سپتمبر ۲۰۱۸

نقد قرآن

۴۲

جلوگیری از فهم انسانها تا گمراه شوند

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹) وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰) پس

ترجمه: [ما] جلوی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم در نتیجه نمی توانند ببینند (۹) و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی به حالشان تفاوت نمی کند ایمان نمی آورند (۱۰) این آیات به دنبال آیات قبلی سوره یس است که می گوید اکثر اعراب ایمان نمی آورند. علت این ایمان نیاوردن و علت این که انذار (ترساندن از خدا و قیامت: دعوت به ایمان) برای آنان بی فایده است اینست که خدا جلو درک آنان را گرفته است.

همین مطلب در آیات زیر نیز آمده است:

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ (۲۳) محمد

ترجمه: اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نموده و ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است (۲۳)

خَنَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷) بقره

ترجمه: خداوند بر دلهای آنان (کفار) و بر شنوائی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده ای است و آنان را عذابی دردناک است (۷)

مشاهده می کنید که خدای محمد، راههای مختلف درک و حس را عقیم و ناتوان می کند. چشمان افراد را ناتوان از دیدن و گوشهای آنان را ناتوان از شنیدن و عقل آنان ناتوان از درک راه درست می گرداند تا آنان گمراه شوند و در قیامت نیز این بدبختیهای ناتوان شده را عذابی دردناک می کند. آیا این اوج ظلم نیست که محمد به خدا نسبت داده است؟

خدا مرض قلبی کفار را می افزاید تا بیشتر گمراه شوند

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۱۰) بقره

ترجمه : در دل‌هایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت (۱۰)

اینهم تلاش دیگر خدا برای گمراه کردن انسانها گفته شده که در دستگاه اندیشه بعضی انسانها عیبی وجود دارد که راه ایمان را نمی فهمند خدای مهربان !!! هم به جای شفا دادن، بیماری آنان را تشدید می کند که مبادا ایمان بیاورند.

خدا طغیان کفار را تمديد می کند تا بیشتر گمراه شوند

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵) بقره

ترجمه :خدا [کفار] را مسخره می کند و آنان را در طغیانشان تمديد می کند تا سرگردان شوند(۱۵)

اینهم لطف !!! دیگری از خدای محمد . عده ای طغیانگر اند و در مقابل حقیقت سر تعظیم فرود نمی آورند خدا هم این طغیانگری آنان را طولانی تر می کند تا مبادا ایمان بیاورند.

خدا نور (ادراك هدايتگر) کفار را می برد تا آنان بیشتر گمراه شوند

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (۱۷) بقره

ترجمه :مثل آنان (کافران) همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد خدا نورشان را برد و در میان تاریک‌هایی که نمی بینند رهايشان کرد (۱۷)

در این آیت دقت کنید؛ مثال جالبی است؛ عده ای برای راهیابی تلاش می کنند و آتشی برمی افروزند ولی به محضی که اطرافشان روشن شد خدا آتش آنان را خاموش می کند . به بیان ساده، عده ای از انسانها تلاش و تحقیق و تفکر می کنند که راه درست را در زندگی بیابند و اندیشه و تحقیق آنان تا حدودی مسیر را به آنان نشان می دهد ولی به محضی که در روشنایی ذهنشان، مسیر درست را می بینند خدا آن روشنایی را خاموش می کند.

عجیب نیست؟ انتساب اینهمه ظلم به خدا واقعاً حیرت انگیز است.

خدا به کافران ثروت و پسر می دهد تا آنان را جهنمی کند.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵) توبه

ترجمه :اموال و فرزندانشان (کفار) تو (محمد) را به شگفت نیارود جز این نیست که خدا می خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود (۵۵)

این آیت با اندک تفاوت در لفظ در آیت ۸۵ توبه نیز آمده است.

باز هم از عجایب کارهای خدای محمد؛ به کافران مال و ثروت فراوان می دهد تا کفر آنان را تقویت کند و تا عذابشان کند.

خدا به کفار عمر می دهد تا بیشتر گمراه و جهنمی شوند: استدراج:

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸) آل عمران

ترجمه :و البته نباید کسانی که کافر شده اند تصور کنند این که به ایشان مهلت می دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آنگاه] عذابی خفت آور خواهند داشت (۱۷۸)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲) وَأُمَلِي لَهُمْ إِنْ كَفَرُوا مِنِّي (۱۸۳) اعراف

ترجمه : و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج از جایی که نمی دانند به سوی عذاب می بریم (۱۸۲) و به آنان مهلت می دهیم که نیرنگ من استوار است (۱۸۳)

دو آیت فوق در سوره قلم هم تکرار شده است.

این آیات مفهوم استدراج را بیان می کنند . یعنی خدا به کسانی که ایمان ندارند مهلت و عمر می دهد تا آنان بیشتر گناه کنند و بیشتر جهنمی شوند و اینکار يك نیرنگ خدا به کافران است و کافران بدبخت از این نیرنگ الهی اطلاعی ندارند . حیرت انگیز نیست؟ انگار خدای محمد سادیسم آزار دارد و از زنده زنده سوزاندن و کباب کردن انسانها لذت می برد و به همین دلیل نهایت تلاش خود را می کند تا انسانهای بیشتری را با شدت بیشتری جهنمی کند.

قرآن فقط برای هدایت مومنان است

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۸۰) وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۸۱) نمل

ترجمه: البته تو مردگان را شنوا نمی گردانی و این ندا را به کران چون پشت بگردانند نمی توانی بشنوانی (۸۰) و هدایتگر کوران از گمراه نشان نیستی تو نمی توانی بشنوانی مگر کسانی را که به آیات ما ایمان آورده اند و مسلمانند (۸۱)

آیت ۸۱ عیناً در سوره روم آیت (۵۳) تکرار شده است.

همین مطلب در آیت ۱۱ یس هم آمده است:

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱) یس

ترجمه: بیم دادن تو (دعوت به ایمان) تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده (۱۱)

در این آیات، کافران کور و کر قلمداد شده اند و گفته شده که تو (محمد) نمی توانی قرآن را به آنان بفهمانی و فقط مؤمنانند که قرآن را می فهمند.

درحالی که کسی که ایمان ندارد محتاج هدایت است و قبول آیات توسط مؤمنان که امری طبیعی است. مؤمنان که خود می شنوند، شنوایان و فهمانندگان قرآن به اهل شك و کفر اهمیت دارد.

وجود مؤمنین نافی مفهوم آیات فوق است. چون قبل از اینکه محمد دعوتش را آغاز کند همه یاران بعدی محمد کافر بودند و با آمدن قرآن آنان هدایت شدند و ایمان آوردند. یعنی دعوت محمد کافران را هدایت کرده که ناقض آیات فوق است. یعنی آیات فوق با واقعیت در تناقضند.

این مفهوم با اصل دعوت محمد هم در تناقض است چون بدیهی است که محمد قرآن را آورده تا کفار را به اسلام دعوت کند اما در اینجا گفته شده که قرآن فقط می تواند مؤمنان را هدایت کند!!

اشکال دیگر مطلب فوق اینست که خدا را ناتوان قلمداد کرده است. یعنی خدا قادر نیست آیات و گفته هائی بیاورد که بندگانش بفهمند. به تعبیر دیگر خدا قادر به هدایت بندگانش نیست.

از طرف دیگر بر اساس آیات فوق، مجازات کفار به خاطر بی ایمانی ظالمانه است. چون خدا نتوانسته آیاتی نازل کند که آنان بفهمند و قبول کنند. وقتی از خدا کاری ساخته نیست از بندگان ضعیف چه ساخته است.

این دقیقاً مثل اینست که شما مطلبی تخصصی را به فرد نا آشنائی نشان دهید و او را دعوت به فهم آن کنید. طبعاً آن فرد نمی فهمد. آیا صحیح است که آن فرد نا آشنا را سرزنش و تنبیه کنید که چرا این مطلب را نمی فهمی؟ قطعاً صحیح نیست. به همین نحو اگر قرآن به نحوی است که فقط مؤمنان می فهمند، عذاب کافران ظلمی فاحش است.

ادامه دارد